

چهارم نماز است یا مردم نامند مجال برانرا در کشته ^{بسم الله لا حول}
و لا قوة الا بالله العلي العظيم ^{تکلم بسم الله}
توکل بر حق تعالی بجز خود و اعتماد بر غیر خود کردن است چنانکه سبحان اسم است از
تسبیح و سلطان اسم است که سلطنت و دراصل و تکلم بقوله انما نشاءنا جنة کرمه
و بجا و دارا کشته یعنی در صحیح مستدک حکم و سنن ابن ماجه و کن ب عمل الیوم و اللیله
ابن سنی مروی است که لیلو هر چه رخصه الله که رسول خدا وقت بیرون آمدن از خانه
این دعا بخواند انما تکلمت الی اعما و من جمیع امور دینیه و دنیوی بر خدایت عز و جل
عاطف در راه او در تکلم بر این دعا است یا مستفاد است ^{بسم الله}
توکلت علی الله لا حول و لا قوة الا بالله ^{یعنی درین}
ایود او در نزدی و بی و صحیح ابن حبان و کن ب عمل الیوم و اللیله ای که در
از لیس رخصه الله عز و ج و اذا خرج الی اصل من سبی فقال بسم الله توکلت علی الله
لا حول و لا قوة الا بالله له هدیة و کعبت فیتجره الشیطان و یقول شیطان
انما کلفک الله الیوم و لیس و لیس و توکلت علی الله عز و ج و لا حول و لا قوة الا بالله
یعنی یا مستفاد الشیطان الذی یسخر الی اهل القابل عن طریق الضلاله من حیة الی اهل القابل
لک متعلق بتسبیح رسول قال کذا صحفه الطبع یعنی رسول خدا از سوی حق تعالی
خدا طلب عانت میکنند خیر و نیام مبارک خدا عز و جل هدایت میکند و بدهد
راست نماید خدا عز و جل او را و عانت میکند او را و نور دین و دین و نور و نور
و اعما و بی که بر خدا عز و جل و کار خود را بخواند است میکند بکار او خدا عز و جل
رسول علی الله عز و جل از جمله توکل بر خدا و نور که بکار او را و نور و الله عز و جل
لکما ه سیدار و خدا عز و جل او را از شر شیطان و مستط میکند او را بر هر ^{ما خرج}

ص ۱۰

صلی الله علیه و سلم من یتقی قسط الاکف طر فیه الی السماء
فقال اللهم انی اتقو ذنوبک ان اقبل او اصغر ان ازل او اذل
او اظلم ان اظلم ان اجعل ان یجعل علی یعنی در سنن ابوداود و سنن
ماجر مروی است از امام المؤمنین حضرت ام سلمه رضه که هر روز نماز است رسول خدا
از خانه بیرون در هیچ وقت از اوقات نماز که بر او است چشم مبارک خدا را بر
آسمان پس خواند که سبحان دعا را که اللهم انی اتقو ذنوبک ان اقبل معلوم مستحکم از
صلوات او و اصل جمیع است از اضلاله و این است که هر چه در کتاب است
باقیمه نیز نوشته ام ^{فاد اخرج للصلوة اللهم اجعل فی قلبی نوراً}
و فی بصیرتی نوراً و فی سمعی نوراً و فی عنقی نوراً و فی
سماعی نوراً و فی خلقی نوراً و اجعل لی نوراً
یعنی در صحیح بخاری و سنن ابوداود و سنن ابی داود و سنن ابی حنبله و سنن ابی یوسف
رضه الله عن ابن فضال که رسول خدا از خانه بیرون آمدی برای نماز تو نماز را بران و نماز
که بار خدا بیکر و ان و بعد از آن در دل من نور عونت و طاعت نماز که از طاعت
و عونت در دل نماز و چون قلب محل نظر است و در لای الی و فی غیر شما می
و در سنن ابی حنبله و سنن ابی یوسف و سنن ابی داود و سنن ابی حنبله و سنن ابی یوسف
خبرند که در هر روز با صلوات و کتب است مقدم آورد و در ذکر و بعد از آن از طبع
و در هر حال هر دو سوره را که در کتاب است آفاقی در اوقات قرآنی و معارف
و سنی و علوم تقیین و صلوات نام دارد که در هر روز که هر چه در سنن ابی یوسف
من نور و بعد از آن فرمود که سوره ای که از دست راست من نور را از دست
من نور را از دست من نور بکلم عن که موضوع است برتی و زمان انوار از ذنب انور